

بسم الله الرحمن الرحيم

استراتژی توسعه زندگی عشایر

استان چهارمحال و بختیاری

تحقیق و پژوهش : مهندس طهمورث فتاحی

تابستان ۱۳۹۶

عشایر، این جامعه سخت کوش از دیر باز تا کنون به تحمل رنج و مشقت فراوان به شیوه ی کوچ نشینی زندگی نموده اند.

از قدیم دو جامعه شهری و روستایی مورد توجه محققین، سیاستگزاران و برنامه ریزان بوده اند، اما جامعه عشایری به صورت یک واقعیت با هویتی مستقل و فرهنگ اجتماعی - اقتصادی خاص خود به عنوان جامعه سوم در کنار دو جامعه دیگر وجود دارد که مخصوصاً در دهه ی اخیر مورد توجه برنامه ریزان کشورمان قرار گرفته است.

زندگی کوچ نشینی بر اساس بیلاق و قشلاق زمانی قابل قبول به نظر می رسد که عشایر دامدار تنها متکی به مراتع بودند و مبالغ قابل توجهی از درآمد خود را در بیلاق و مخصوصاً قشلاق جهت خرید علوفه ی دستی یا ((پس چر)) مزارع صرف نمی کردند. مراتع کور به این شدت تخریب نشده بود و ظرفیت چرای آنها با تعداد ((دام روی)) مراتع تقریباً متعادل بود. در حالی که امروزه تمام محافل صحبت از فقر مراتع سیر قهقرایی منابع طبیعی کشور است و ما تنها ۱۵٪ یعنی ۱۴ میلیون هکتار مراتع علفی را به صورت نسبتاً خوب تا متوسط با تولید ۲۹۰ کیلوگرم در هکتار در اختیار داریم و ۶۷٪ یعنی حدود ۶۰ میلیون هکتار از مراتع بوت ه زار متوسط تا ضعیف با سیر قهقرایی و تولید ۹۲ کیلوگرم در هکتار و بالاخره ۱۸٪ یا ۱۶ میلیون هکتار باقی مانده مراتع به صورت کویر و بیابانی است با کیفیت ضعیف تا بسیار ضعیف و تولید حدود ۲۶ کیلوگرم در هکتار در اختیار داریم.

گرچه امروز جمعیت عشایری سهم عمده ای در ترکیب اجتماعی کشور ندارد اما در دهه های آغازین قرن پیش، قریب نیمی از جمعیت کشور را در بر می گرفت. در آغاز قرن حاضر حدود ۲۰٪ تا ۲۵٪ جمعیت کشور بوده و با گسترش آباده نشینی در خلال قرن اخیر سهم جمعیت عشایری به حدود ۱۰٪ در آغاز دهه ۴۰ و به کمتر از ۵٪ در دهه های کنونی رسید. اما همین جمعیت محدود قسمت اعظم مراتع و مناطق آبخیز کشور را تحت نفوذ قلمرو خود دارند و با جابجایی های فصلی برای تعلیف میلیون ها دام خود بهره برداری می کنند.

بر اساس نتایج سرشماری اقتصادی- اجتماعی عشایر کوچنده سال ۱۳۶۷ جمعیت عشایر کشور حدود ۱۸۰ هزار خانوار و قریب ۱/۱۵ میلیون نفر است که در ۱۹۶ ایل و ۵۴۷ طایفه ی مستقل تشکیل یافته اند.

سرمایه ی اصلی این گروه اجتماعی حدود ۱۶ میلیون واحد دامی است که قسمت قابل ملاحظه ای از نیاز های غذایی کشور را تأمین می کنند .

مراتع، منبع اصلی تأمین علوفه دام عشایر و تکیه گاه حیاتی زندگی خانوارهای عشایری است . الگوی زیست عشایری نیز عمدتاً براساس تعلیف دام از مراتع و ضرورت های آن شکل گرفته است. طبق برآوردهای رسمی تولید علوفه مراتع کشور حدود ۱۰ میلیون تن علوفه خشک معادل ۴ میلیون تن T.D.N است که امکان تعلیف حدود ۱۶ میلیون واحد دامی را فراهم می سازد اما امروزه کم و بیش قریب ۶۰ میلیون واحد دامی در کشور، متکی به علوفه مرتعی است و ملاحظه می شود علوفه ی تولیدی آنها درصد پائینی از نیاز غذایی دام کل کشور را تأمین می کند و مابقی احتیاج

دام به صورت فشار شدید اضافی بر مراتع و تهیه و خرید علوفه دستی تأمین می شود و گاهی این کمبود به صورت سوءتغذیه در بین گله ها مشاهده می شود.

این نا برابری از یک سو حیات معیشتی عشایر کشور را به شدت آسیب پذیر ساخته و از سوی دیگر منابع حیاتی و میراث ارزشمند طبیعی کشور را در معرض ویرانی گسترده و انهدام عظیم قرارداد است. همه ساله بین ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار هکتار از مراتع کشور نابود می شود و بالغ بر ۲ میلیارد تن خاک فرسایش یافته و حاوی صدها هزار تن کود و مواد غذایی از دسترس خارج می شود و نه تنها از بهره گیری های زندگی بخش و حیاتی بدور می ماند بلکه منشاء زیان ها و مصایب هولناک ، مانند بیابانی شدن اکوسیستم های زنده، پر شدن سدها و جاری شدن سیلابها می گردد که در سالهای اخیر صدها میلیارد ریال خسارت ببار آورده است.

زمانی، دامداری توأم با کوچ در کنار مراتع غنی و آباد کشور، زندگی راحت و آبرومندانانه ای را به عموم خانوارهای عشایری عرضه می کرد ؛ الگوهای مصرف و چگونگی زندگی شهری و روستایی با جامعه ی عشایری اینقدرها فاصله نداشت، توقعات، بسیار محدود و انتظار اغلب مردم از تلاش و کار برای تُمین آذوغه، لباس و ملزومات بسیار ساده و ابتدایی برای خانوار بود. مشکلات زندگی و کار در روستاها کمتر از مشکلات زندگی در ایل نبود . در روزگار قدیم به خاطر محدودیت و نبود ارتباطات توقعاتی در زمینه ی آموزش، بهداشت، درمان ، امکانات و خدمات رفاهی و اجتماعی بسیار کم به فکر افراد خطور می کرد. مراتع در ییلاق و قشلاق نیاز گله های آنان را براحتی تأمین می کرد.

امروزه علاوه بر مسئله مهم فقر مراتع، که زیر بنای اقتصادی خانوار رامتلزل کرده است، شبکه راه ها، ماشین و سایر وسایل ارتباطی به عشایر این امکان را داده است که به شهر و روستا بیشتر رفت و آمد کنند و انواع زندگی ها و چگونگی استفاده از امکانات و تسهیلات روز را ببینند و سعی در بکار بستن و یا بدست آوردن آن ها نمایند، برای با سواد کردن فرزندان خود تلاش می کنند. اگرچه گاهی موفق نمی شوند ولی اهمیت مسئله برای آن ها روشن شده است خانوارهایی که از توان مالی مناسب تری برخوردارند و موفق می شوند بچه های خود را با سواد، و تحصیلات آنان را بجایی برسانند آخرین نفرات از نسل کوچ رو خود هستند.

عشایر در این روزگار بیشتر با ماشین سفر می کنند و دام و خانوار خود را در بیلاق و قشلاق جابجا می کنند. این تحول اگرچه جبر زمان است و روز به روز گسترش می یابد، اما بیشتر از زمانی شروع شد که میان بندها و محل اطراق خانوارهای عشایری در ایل راه ها به وسیله ی روستاییان شخم و شیار گردید و به دیم زارهای کم بازده تبدیل شد.

عشایر با محدودیت های دیگری نیز مواجه شده اند. از جمله بسیاری از مراتع، شخم شده و به زیر کشت غلات دیم رفته یا اینکه کاربردهای صنعتی، نظامی، سکونتی و غیره پیدا نموده است. با بهم خوردن نظامات ایلی حفظ و حراست از مراتع از بین رفته و عرصه همچنان بر آنها تنگ تر می شود.

لذا با توجه به مشکلاتی که اشاره شد، سهولت رفت و آمد با وسایل نقلیه ی ماشینی تندرو و دیدن مظاهر تمدن و پیشرفت جوامع شهری و روستایی، انتظارها و توقع آنها در زمینه های مختلف از

جمله الگوی مصرف و استفاده از تسهیلات و یک رفاه نسبی برای ارتقا ء سطح زندگی خود و فرزندانشان حداقل در ردیف روستاییان کشور بجا و منطقی است. اما خواسته ی به حق عشایر با درآمد فعلی آنان که از تعدادی دام انگشت شمار تضمین می شود میسر نیست. عشایری که دارای گله های کوچک و محدود هستند و اکثریت را تشکیل می دهند با حساب ساده خود متوجه شده اند که با وضعیت فقر مراتع و علوفه ی دستی که باید در ییلاق و قشلاق خریداری کنند دخلش با خرجش هماهنگی ندارد و سال به سال ضعیف تر و فقیرتر می شود. ابتدا خانوار خود را همراه فامیل در مال رها کرده برای کارگری و کارهای خدماتی در شهر ها و روستاهای ییلاق و قشلاق تلاش می کند، گاهی برای دادن خرجی به خانوار سر می زنند و کم کم زندگی در شهر و روستارا تجربه نموده و خانوار خود را به حاشیه شهر یا روستا ساکن نموده و این تولید کننده به یک خانوار خدماتی و مصرف کننده مطلق با همه عواقب و عوارض آن مبدل می شود.

بسیاری از این خانوارها نیز اینجا و آنجا و مخصوصاً در مناطق عشایری روستاهای نو بنهاد و کوچک و پراکنده را به طریقی بسیار نا بسامان و بی برنامه بنا نهاده و بنا می نهند که باعث زحمت خود و دردسر مسئولین مملکت خواهند بود.

ساماندهی به این جامعه از کشور که ساختار خود را از دست داده و یا در حال فروپاشی است و بی برنامه و بدون توجه به مسائل و مشکلات بعدی در حاشیه ی شهر ها و روستا اسکان می یابند، امر ضروری و حیاتی است و بوجه نکودن به این امر در آینده ای نه چندان دور عواقب و آثار بسیار وخیمی ببار خواهد آورد. با توجه به سر شماریهای مختلفی که سالهای ۱۳۴۸، ۱۳۵۷، ۱۳۶۲، ۱۳۶۴ و ۱۳۶۶ بالاخره ۱۳۸۷ از عشایر عمدتاً ((هفت لنگ بختیار ی)) انجام شده و

مخصوصاً مطالعات جامعه‌ی عشایری استان چهارمحال و بختیاری که توسط سازمان برنامه و بودجه و با همکاری دستگاه‌های اجرایی استان و زیر نظر معاونت امور مناطق و گروه مطالعاتی هامون انجام گرفته است که شاید نتایج هنوز خام باشد و در سطح کلان و کلی کشور و برای تلفیق نتایج از استان‌های مختلف عشایر نشین به کار بیشتری نیاز باشد و تغییراتی حاصل شود، ولی با این حال حاصل و چکیده‌ی این مطالعه تنها به عنوان یک نظر کارشناسی و پیشنهادی و به دلایلی که ذکر آن گذشت چگونگی اسکان عشایر هفت لنگ بختیاری را به عنوان الگو و نمونه ارائه می‌دهد که شاید در اکثر مناطق عشایری کشور با اندکی تغییر قابل اجرا باشد.

استان چهارمحال و بختیاری با ۶۹۱/۱۳۶ نفر جمعیت عشایری، از لحاظ جمعیت اولین استان عشایری کشور است. این جمعیت ۲۱/۰۴۵ خانواری دوره ییلاقی خود را در این استان می‌گذرانند. از این تعداد ۴۲۲/۱۴ خانوار با جمعیت ۵۷۶/۹۵ نفر برون کوچ و بقیه عشایر درون کوچ می‌باشد.

در سال ۱۳۶۶ جمعیت عشایری ۲۱٪ جمعیت ساکن این استان را تشکیل می‌داده، در حالی که این نسبت به سطح کشور ۲/۲٪ بوده است.

مقایسه نتایج سرشماری‌های عمومی سال ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵ نشان می‌دهد طی ۳۰ سال ۴۸۸ آبادی نوپنیا در استان ایجاد و اضافه شده است که ۹۲٪ این آبادی‌ها در مناطق عشایری و درصد کمی در منطقه چهارمحال استقرار یافته‌اند.

در منطقه ی بختیاری روستاهای تازه استقرار یافته بیشتر شبیه مال های عشایری است .
پراکندگی فضاها زیاد است، تعداد خانوار کم و وابستگی ایلی همچنان محفوظ است . مشاغل
غالب، دامداری است و تولید زراعی کم و ابتدایی است. انتخاب محل روستاها معمولاً همان دید
عشایری است که در انتخاب محل مال رعایت شده است.

در سال ۱۳۶۵ مشاهده می کنیم که ۴۰٪ از آبادی های استان یعنی ۳۵۸ آبادی تنها ۳/۶٪
جمعیت روستایی استان یعنی حدود ۲/۶۰۰ خانوار را در خود جای داده اند. در یک بررسی متوجه
می شویم که از ۴۸۸ روستای نو بنیاد ۴۴۸ روستای آنها را خانوارهای عشایری که به سلیقه ی خود
اسکان یافته اند، در نقاط مختلف مناطق عشایری به وضعی بسیار نابسامان بوجود آورده اند.

آمار و اطلاعات حاصل از جمعیت عشایر بختیاری از سال ۱۳۴۸ به این طرف نشان می دهد
که عشایر بختیاری ۲/۸٪ ضریب اسکان بطور طبیعی داشته اند. در آینده این روند به علت فقر
مراتب و لزوم خرید علوفه به مراتب بیشتر خواهد شد.

در آمارگیریهای مختلف درصد قابل توجهی از عشایر، نظر موافق خود را نسبت به اسکان
در بیلاق و به خصوص در قشلاق اعلام نموده اند مشروط بر این که علاوه بر تأمین معاش آن ها از
طریق اشتغال مناسب حداقل تسهیلاتی در ردیف روستاییان برای آن ها فراهم شود و در مورد
ساخت واحد های مسکونی بآن ها همکاری و همراهی شود و امکانات بهداشتی، درمانی، آموزش
و پرورش، شرکت های تعاونی، راه، سوخت، کالاهای مورد نیاز یا سهمیه بندی و نظایر آن ها در
مورد این قبیل خانوار فراموش نشود، و بعد از اسکان نیز از یاد نروند، تا تجربه های گذشته تکرار

نگردد لذا اسکان تدریجی خانوارهای عشایر بختیاری متناسب با پتانسیل های مختلف استان در طول دو برنامه ۵ ساله یا یک دوره ی ۱۰ ساله به عنوان یک راه حل اساسی واگذار از زندگی محروم فعلی وارتقاء نسبی، حداقل در ردیف زندگی روستاییان استان است.

به دلایل زیاد وروشن از آمارهای موجود، محاسبه رشد جمعیت این جامعه میسر نیست .از طرفی رشد جمعیت استان در دو سرشماری اخیر ۴/۷ درصد بوده است که رشد جمعیت عشایر معمولاً باید کمتر از این رقم باشد. (عشایر مهاجر پذیر نیستند) در سر شماری سال ۱۳۶۲ رشد طبیعی جمعیت ۳/۲ درصد محاسبه گردیده است که با احتساب ظرفیت طبیعی اسکان یعنی ۲/۸ درصد می یابد رشد جمعیت عشایر را حداقل ۴/۰ درصد بحساب آورد، که درافق ۱۳۹۱ جمعیتی بالغ بر ۱۶/۶۳۵ خانوار و یا ۵۰۰ / ۱۰۱ نفر خواهد بود. لیکن این روند رشد جمعیتی متأسفانه متأثر از بقیه کشور کمتر از ۲ درصد شده است که به روند کاهش جمعیت مولد استان کمک م نفی می کند.

بر اساس پتانسیل های مختلف که در مناطق عشایری استان چهارمحال و بختیاری شناسایی شده، این استان می تواند تا افق ۱۳۹۱ جمعیتی حدود ۱۴/۳۶۸ خانوار یا ۸۷ / ۷۷۳ نفر را بصورت دام داران رمه گردان (۵۱۷۸) و یادرسایر بخش های اقتصادی پذیرا بوده و تسهیلات ممکن را برای اسکان آنها در مناطق مستعد استان فراهم نماید.

برای موفقیت این برنامه، در همین راستا و به موازات این حرکت در استان چهارمحال وبختیاری می باید از ابتدای برنامه (سال ۱۳۹۶) تدابیری اتخاذ گردد که استان خوزستان نیز در

اجرای برنامه اسکان عشایر بختباری در قشلاق، هم چنان که مورد علاقه ی درصد قابل توجهی از خانوارهای بختباری کوچ رو است همکاری و هماهنگی نموده و تدارک لازم را فراهم نماید.

رشد جمعیت عشایر هرچه باشد، حداکثر ظرفیت در این استان متناسب با پتانسیل های منطقه برای ۱۴/۳۶۸ خانوار تا افق ۱۳۹۱ محاسبه و تعیین شده است. اما استان خوزستان سرریز این جمعیت در افق ۱۳۹۶ راکه ممکن است از ۲/۲۶۷ تا ۱۰/۷۶۲ خانوار متغیر باشد را پذیرا بوده و برای اسکان آن ها برنامه ریزی نماید.

از ۸۷/۷۷۳ عشایر اسکان یافته و رومه گردان در افق ۱۳۸۱، ۳۰/۱۷۳ نفر شاغل در بخش های مختلف پیش بینی و محاسبه شده است، ۲۳/۹۰۴ نفر در بخش کشاورزی (۷۹٪)، ۷۸۰ نفر در بخش صنعت (۳٪) و بالاخره ۵/۴۸۹ نفر در بخش خدمات (۱۸٪).

با این که عشایر بختباری جمعیت آن ها از حدود ۲۰/۰۰۰ خانوار واز ۲۱٪ جمعیت استان تجاوز نمی کند اما بیش از $\frac{2}{3}$ مساحت استان در قلمرو آن هاست که در سطح کشور نیز به آن اشاره شد.

در مناطق عشایری مجموعاً ۲۸/۹۴۹ هکتار زمین قابل کشت آبی وجود دارد که ۱۳/۷۴۵ هکتار مناسب برای کشت نباتات سالانه و بقیه سازگار برای کشت درختان گردو و سریع الرشد می باشد. ضمناً ۷/۶۷۸ هکتار اراضی مناسب کشت دیم نیز در مناطق عشایری استان شناسایی شده است.

اراضی با قابلیت مرتع که مورد استفاده عشایر قرار می گیرند مساحتش حدود ۴۹۲/۹۰۳ هکتار، و مساحت جنگلهای استان که تماماً در مناطق عشایری قرار دارند حدود ۳۳۱/۵۲۰ هکتار برآورد شده است.

در طرح های بهره برداری از منابع آب جهت توسعه اراضی کشاورزی در مناطق عشایری ۷ (واریانت) برداشت آب به طور مستقیم از رودخانه ، ۱۸ واریانت پمپاژ از رودخانه و چشمه، ۳ واریانت ذخیره آبهای سطحی توسط احداث سدهای خاکی، یک واریانت تغذیه مصنوعی و ۱۴ واریانت بهره برداری از آب چشمه ها بررسی شده و علاوه بر این، حفر ۱۰ حلقه چاه آبرفتی، ۲۱ حلقه چاه اکتشافی و بهره برداری از آنها پیشنهاد می شود.

طول کانال های جدید برای انتقال آب به منظور توسعه ی اراضی زراعی مربوط به نباتات، سالانه حدود ۱۷۷/۷ کیلومتر برآورده شده و از میان واریانتهای مختلف تا مین آب ۴۳ واریانت به عنوان بهتری ن انتخاب گردیده و در مجموع، حدود ۲۲۹ میلیون متر مکعب آب بریا ح دود ۲۳/۰۰۰ هکتار اراضی قابل توسعه تأمین خواهد شد.

اعتبار مورد نیاز سرمایه گذاری تا افق ۱۳۹۷ بالغ بر ۱۷/۶۳۶/۴۱۰ هزارریال خواهد بود.

از ۴۹۲ /۹۰۳ هکتار مراتع عشایری استان، ۸ /۴٪ خوب، ۲ /۱۷٪ متوسط و ۷۸٪ ضعیف می

باشد.

در وضعیت کنونی حدود ۱/۴۰۰/۰۰۰ واحد دامی از مراتع عشایری استفاده می کنند . در صورتی که تعداد دام مجاز که می تواند از این مراتع به صورت متعادل استفاده کنند ۱۵۰/۰۰۰ واحد دامی در یک دوره صد روزه است.

طرح های پیشنهادی جهت اصلاح و احیاء مراتع عشایر بختیاری شامل ایجاد سیستم چرا، قرق، کود پاشی مراتع، کشت کپه ای، ((کنتور فارو))، ((پتینینگ)) و میان کاری، کشت مستقیم به وسیله دام، کشت کپه ای مستقیم با دست، آبخیزداری، احداث چاه و بهسازی چشمه ها جهت آبشخور دامی است که تا افق ۱۳۹۸ رقمی حدود ۸ میلیارد ریال اعتبار نیاز دارد.

با اجرای طرح های اصلاح و احیاء، مراتع مناطق عشایری استان در افق ۱۳۹۸ می توانند حدود ۱/۱۵۰/۰۰۰ واحد دامی را در یک دوره ۱۰۰ روزه پذیرا بوده و تغذیه نمایند.

باتوجه به امکانات و قابلیت ها، با احیاء و توسعه اراضی جهت تولید علوفه ی دستی و مرتعی حدود ۵/۱۷۸ خانوار می توانند در افق ۱۳۹۸ در امور دام داری به صورت رمه گردان اشتغال داشته باشند و به طور متوسط هر خانوار ۲۰۰ راس دام را اداره نماید . در این صورت جمع تعداد دام خانوارهای رمه گردان به ۱/۰۳۵/۶۰۰ واحد دامی بالغ خواهد شد.

طرح های مشخص دام داری شامل طرح های پروار بندی به تعداد ۱۰۲/۰۰۰ راس در سال با سرمایه گذاری حدود ۵۰۰ /۰۰۰ /۰۰۰ قطعه در هر دوره و در طول سال حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰ مرغ گوشتی و سرمایه گذاری حدود ۲/۰۰۰/۰۰۰ هزار ریال و طرح های خدمات دامپزشکی است که تا افق ۱۴۰۰ حدود ۶۹۵/۰۰۰ هزار ریال سرمایه گذاری لازم دارند.

در مناطق عشایری استان امکانات بالقوه برای پرورش زنبور عسل در حد ۸۰/۰۰۰ کندو با سرمایه گذاری حدود ۲/۵۲۵/۰۰۰ هزارریال تا افق ۱۴۰۰ برآورده شده است.

اراضی مزروع مناطق عشایری استان در وضعیت کنونی حدود ۴۷/۶۵۷ هکتار است که ۱۸/۷۶۲ هکتار زیر کشت محصولات آبی و دیمی است و ۲۸/۸۹۵ هکتار دیگر اراضی آیش آبی و دیمی را تشکیل می دهد.

از کل اراضی تحت کشت حدود ۵/۴۲۰ هکتار مربوط به اراضی کشت محصولات آبی و ۱۳/۳۴۲ هکتار مربوط به اراضی کشت محصولات دیمی است . از ۲۸/۸۹۵ هکتار اراضی آیش، ۳/۶۰۰ هکتار آن اراضی آیش محصولات آبی و ۲۵/۲۹۵ هکتار را اراضی آیش دیمی تشکیل می دهد.

بر اساس سرشماری سال ۱۳۸۷ نیروی شاغل در زراعت و باغ داری ۳۱/۷۸۸ نفر است که اغلب آگاهی های لازم در زمینه ی تولیدات زراعی و روش های نوین را ندارند.

علاوه بر وضعیت کنونی حدود ۲۳/۰۰۰ هکتار از اراضی مناطق عشایری قابلیت کشت محصولات سالانه و نباتات دایمی جهت توسعه دارد و حدود ۲۲۹ میلیون متو مکعب آب برای این منظور قابل تأمین است.

در مناطق عشایری استان با توجه به امکانات و قابلیت های زراعت و باغ داری حدود ۹/۴۵۳ خانوار به کار مشغول خواهد شد و در قطب های توسعه به تدریج تا افق ۱۴۰۰ اسکان

خواهند یافت. از این رقم ۲/۷۷۵ خانوار در کشت محصولات سالانه و ۶۵۵ خانوار درزراعت های دیم و ۶/۰۲۵ خانوار در کشت نباتات دایمی دارای شغل می شوند.

درافق ۱۴۰۰، اراضی زیر کشت محصولات سالانه آبی از ۵/۱۸۶ هکتار در سال ۱۳۹۸ به ۱۳/۷۴۵ هکتار، و اراضی زیر کشت نباتات دایمی متمر و غیر متمر از ۲۳۴ هکتار به ۱۵/۲۰۴ هکتار افزایش خواهد یافت که تا افق ۱۳۸۱، ۹/۴۵۳ خانوار از عشایر کوچ رو استان در این قطب ها به تدریج اسکان خواهند یافت.

میزان سرمایه گذاری لازم در امر زراعت و باغ داری تا افق ۱۳۹۶ حدود (۸/۵۸۵/۴۰۰ هزارریال) برآورد گردیده است.

طرح های پیشنهادی توسعه صنعتی مناطق عشایری شامل ایجاد کارخانه های ریسندگی و بافندگی، نئوپان سازی، تولید و بسته بندی فرآورده های گوشتی، تولید پودر گوشت و استخوان، چرم سازی، فرش، قالی، قالیچه، کبریت سازی و کاغذ سازی است که میزان سرمایه گذاری مورد نیاز آنها تا افق ۱۴۰۰ حدود ۳۲ میلیارد ریال خواهد بود و برای ۱/۹۵۰ نفر در مناطق کوهرنگ ، اردل، بروجن، کیار و لردگان شغل ایجاد خواهد کرد.

امکانات تولید ۹/۳۳۱ تن گوشت قرمز، ۲/۸۰۰ تن گوشت مرغ، ۷۰۰ تن گوشت ماهی، ۳۲/۶۲۹ تن شیر، ۱/۳۱۶ تن پشم، ۱۹۰ تن تخم مرغ، ۴۰۰/۰۰۰ جلد پوست، ۸/۹۴۲ تن گردو و ۱۷۵/۰۰۰ متر مکعب چوب در سال برای واحد های صنعتی پیش بینی شده است.

ایجاد یک واحد سردخانه ۱۰۰۰ تنی در چلگرد، ۲ واحد سرد خانه ۲۰۰۰ تنی در لردگان و دیناران، ۲ واحد ذخیره ی علوفه اضطراری ۳۰۰۰ تنی در مناطق (بازفت) و (دوآب صمصامی) و بالاخره ایجاد ۲ واحد انبار ذخیره ی اضطراری علوفه ۱۰۰۰ تنی در مناطق دیناران، (شلیل) نیاز های این برنامه تا افق ۱۴۰۰ است.

تعداد واحد های مسکونی مورد نیاز برای افق ۱۴۰۰ حدود ۵/۴۳۲ دستگاه و در افق ۱۴۰۰ حدود ۱۱/۱۳۹ دستگاه مورد نیاز خواهد بود که در دو تیپ ۷۲ و ۵۲ متر مربعی پیشنهاد می گردد که ۱۶/۰۴۰/۱۶۰ یا ۱۱/۵۸۴/۵۶۰ هزار ریال سرمایه گذاری در امر تولید مسکن برآورد گردیده است.

اجرای برنامه اسکان عشایر در منطقه بیلاقی در افق ۱۴۰۰ به ۶۳ خانه بهداشت و ۹ مرکز بهداشتی درمانی و در افق ۱۴۰۰ به ۴۶ خانه بهداشت و ۵ مرکز بهداشتی درمانی نیاز است که مبلغی حدود ۵۷۸/۹۰۰۰ هزار ریال سرمایه گذاری لازم دارد.

حدود ۱۶ میلیارد تومان جهت سرمایه گذاری در زمینه های مختلف توریسم برآورد و پیش بینی شده است.

خانوارهای عشایری که طی دو برنامه پنج ساله و بر اساس پتانسیل ها و مسائل اجتماعی خاص و نظر مساعد خودشان به صورت برنامه ریزی شده در آبادی های اسکان می یابند، کلیه ی مسایل خدماتی آن ها نیز مد نظر قرار گرفته است و در مواردی نظیر بهداشت و درمان و یا آموزش پرورش که رشد خاصی باید منظور شود، براساس ضرائب نرم های خاص محاسبه و پیشنهاد شده

است. برای مثال تا افق ۱۴۰۰ حدود ۱/۳۳۶ کلاس در مقطع ابتدایی و ۶۹۹ کلاس در مقطع راهنمایی برای دهستانهای مشخص و همچنین مدارس شبانه روزی مورد نیاز در مراکز اصلی عشایر با اعتبارات و سرمایه گذاری های مورد نیاز محاسبه و پیشنهاد گردیده است.

در نهایت با توجه به پراکندگی و محل استقرار عشایر در منطقه ی بیلاقی، موقعیت آب و زمین و مرتع و پتانسیل های مختلف ۱۰۳ آبادی برای عشایر در مناطق عشایری استان طی دوره ۱۰ ساله معرفی و پیشنهاد شده است که در سه سطح متمایز هستند.

آبادیهای سطح یک، آبادیهایی هستند که محوریت و خصوصیات ویژه و بالاتری از نظر جذب و استقرار خانوارها دارند، تسهیلات و خدمات بیشتری را شامل می شوند و از آبادی های دیگر در منطقه متمایز هستند، محل رفت و آمد و مبادلات عشایر هستند و از قبل امکاناتی نظیر خانه ی بهداشت، مدرسه، حمام و جاده و... در این نوع آبادیها دایر شده است. به همین نسبت آبادی های سطح ۲ که از نظر امکانات و مرکزیت پایین تر از سطح ۱ بوده و بالاخره آبادی های سطح ۳ که بعضی خدمات و امکانات را از آبادیهای سطح دو و یک دریافت می کند و یا بنحوی متکی به آنهاست.

دریک جمع بندی میزان سرمایه گذاری مورد نیاز جهت تحقق اهداف تعیین شده در

افق ۱۳۸۱ عبارت است از:

| | |
|----------------------|-----------------------|
| مرتع | ۷/۷۹۷/۸۵۸۰ هزارریال |
| دامداری و پروار بندی | ۷/۰۳۴/۰۰۰۰ هزارریال |
| زراعت و باغ داری | ۸/۵۸۵/۴۰۰۰ هزارریال |
| تأمین آب | ۱۷/۶۳۶/۴۱۰۰ هزارریال |
| مرغ گوشتی | ۲/۰۰۰/۰۰۰۰ هزارریال |
| زنبورداری | ۲/۳۹۹/۹۴۰۰ هزار ریال |
| پرورش ماهی | ۲/۵۲۵/۰۰۰۰ هزارریال |
| صنعت | ۱۲/۲۰۰/۰۰۰۰ هزار ریال |
| جمع | ۶۰/۱۷۸/۶۰۸۰ |

در صورتیکه برنامه های پیشنهادی تحقق پذیر در مقابل ۶۰/۱۷۸/۶۰۸ هزار ریال سرمایه

گذاری تا افق ۱۶۵۰ سالانه حدود ۳۵۵/۱۴۴/۰۲۰ هزار ریال درآمد ناخالص حاصل خواهد شد.

به اهم مسائل و دلایل اسکان عشایر کوچنده در این مقاله اشاره شد، لذا با توجه به این

نکته که عشایر، در مناطق مختلف کشور، نرمها و فاکتورهای خاص خود را در مطالعات اقتصاد-

اجتماعی دارا هستند و بدیهی است که از منطقه ای به منطقه دیگر متغیر خواهد بود، اما آنچه

احتمالاً در تمام مناطق عشایری کشور وجه اشتراکی دارد و کلی است، برای بهبود و ارتقاء سطح زندگی این جامعه به شرح زیر پیشنهاد و توصیه می گردد:

- ۱- مراتع مورد استفاده عشایر باید دقیقاً مورد بررسی قرار گرفته و مراتع ضعیف، متوسط و غنی با ظرفیت چرای تعداد دام مجاز در وضعیت کنونی و همچنین ظرفیت چرای بالقوه مراتع پس از انجام عملیات اصلاحی و احیایی مشخص گردد.
- ۲- شناسایی قابلیت های جنگلی موجود در محل استقرار عشایر برای استفاده بهتر از درختان جنگلی و یا تبدیل جنگل های مخروبه به درختان مثمر و سریع الرشد با توجه به شرایط اقلیمی، خاک و... در منطقه.
- ۳- قابلیت و استعداد اراضی مورد استفاده عشایر از نظر زراعت های آبی، دیمی و باغی را مشخص و میزان زمین های قابل توسعه در هر مورد برای مناطق ییلاقی و قشلاقی دقیقاً روشن و کاربری آنها معرفی گردد.
- ۴- پتانسیل های آبی در مناطق عشایری مورد بررسی قرار گرفته و میزان آب قابل تأمین و اقتصادی برای توسعه زمین های زیر کشت آبی مناطق عشایری تعیین گردد.
- ۵- پتانسیل های موجود در مناطق عشایری در زمینه استقرار صنایع، بررسی و میزان سرمایه گذاری لازم و میزان اشتغالی که ایجاد می کند باید مشخص شود.
- ۶- مشخص نمودن ظرفیت مراتع پس از اصلاح و احیاء الزامی است.
- ۷- باتوجه با امکان علوفه تولیدی در مزارع، قابلیت پرواربندی در مناطق مختلف عشایری با میزان اشتغال و حجم سرمایه گذاری و ظرفیت واحدها باید تعیین شود.

۸- زنبورداری، پرورش ماهی، صنایع دستی نیز از جمله فعالیتهایی هستند که از هر نظر باید در مطالعات مد نظر بوده و میزان اشتغال و درآمد در این زمینه ها برای بخشی از خانوارهای عشایری منظور گردد.

۹- مناطق عشایری در استانهای مختلف کشور ممکن است در زمینه های مختلف، سواى آنچه ذکر آن گذشت دارای قابلیتهای قابل توجهی باشند که بتوان این امکانات را جهت اشتغال و کسب درآمد و تولید به خانوارهای عشایر اختصاص داد، اینگونه موارد را باید مطالعه و مورد شناسایی قرار داد.

۱۰- مطالعات مختلف نشان می دهد در صورتیکه به هر خانوار عشایری حدود ۵ هکتار زمین زراعی برای کشت محصولات سالانه آبی و یا ۱۰ هکتار زمین برای کشت محصولات دیمی یا ۲ هکتار زمین برای کشت درختان میوه نظیر گردو و یا ۳ هکتار زمین برای کشت درختان سریع الرشد و همچنین برای هر خانوار متکی به شغل دامداری ۲۰۰ رأس دام در نظر گرفته شود، می توان امیدوار بود که اینگونه خانوارها می توانند از نظر اقتصادی و مسایل اجتماعی روی پای خود بایستند و یک زندگی در حد روستاییان برای خود داشته باشند.

باتوجه به تعداد خانوارهایی که در بخشهای مختلف مثل زراعت، باغداری، پرورش ماهی، زنبورداری، صنایع، دامداری و سایر فعالیتهای در نقاط مستعد و بر اساس معیارهای تعیین شده مشغول به کار خواهند شد، جمع اشتغال در رابطه با قابلیت ها در هر زمینه مشخص می گردد. بدین طریق جمعی از خانوارها به صورت برنامه ریزی شده و با تمایل خودشان در

مناطق بیلاقی و قشلاقی در نقاط تعیین شده که الزاماً حوالی آب و ملک خودشان یا واگذاری دولت خواهد بود اسکان خواهند یافت . این نقاط حتی الامکان در جوار روستاهای موجود خواهد بود و تا آنجا که مقدور باشد از ایجاد روستاهای جدید باید پرهیز نمود تا هزینه های قابل توجه اضافی به دولت تحمیل نشود.

باتوجه به ظرفیت های چرای بالقوه مراتع و در نظر گرفتن ۲۰۰ واحد دامی برای هر خانوار دامدار، تعداد خانوارهایی که به شغل دامداری خواهند پرداخت مشخص می شود و به علت وجود مراتع در بیلاق و قشلاق، خانوار خود را در یکی از این دو منطقه اسکان داده و به شیوه رمه گردانی که سرمایه کمتری را طلب می کند، به شغل خود ادامه می دهند.

بخشی از اشتغال خانوارهای عشایری را شغل های خدماتی تکمیل خواهند نمود . با احتساب همه موارد ذکر شده، اگر در بعضی مناطق عشایری، پتانسیل های اشتغال قادر به جذب تمام خانوارها در طول برنامه های تعیین شده نباشند، بایستی خانوارهای مازاد در مناطق دیگری که ظرفیت و قابلیت های لازم را از نظر اشتغال و تولید دارند، اسکان داده شود. در پایان با تشکر و سپاسگزاری از کلیه دست اندرکاران بخش عشایری استان و بسیج عشایری برای پیگیری ((استراتژی توسعه زندگی عشایر))، یادآوری می شود که عشایر محروم کشور، به عنوان یک گروه اجتماعی آسیب پذیر، تکیه گاه حیاتی خود را از دست داده و هر ساله بیش از پیش متحمل خسارت و زیان شده و از فرط فقر و استیصال ، آبادیهای کوچک و

پراکنده را به گونه ای نا به سامان در سرزمین های ایلی بوجود می آورند، و از سوی دیگر در برنامه ریزیهای کشور هیچگاه بطور جدی و اساسی مورد توجه نبوده اند.

اکنون که خدمتگزارانی دلسوز همت نموده و فرصتی برای مطرح کردن این جامعه محروم و ضعیف فراهم آمده، امید است نتایج و تصمیم گیری ریهایی حاصله، پاسخگوی نیازهای موجود در زمینه شناخت و برنامه ریزیهای صحیح برای آینده آنان باشد. انشاءا...

منابع و مأخذ:

- ۱- مرکز آمار ایران (۱۳۸۷) نتایج سومین سرشماری عشایر کوچ رده
- ۲- سازمان امور عشایر ایران (۱۳۸۴) مجموعه گزارشات عملکرد در برنامه چهارم توسعه
- ۳- ساگدن، روبرت و آلن ویلیامند، مبانی تحلیل هزینه فاینده عملی. ترجمه دکتر منصور خلیلی عراقی انتشارات دانشگاه تهران
- ۴- سازمان برنامه و بودجه. معاونت امور مناطق و مجلس گروه مطالعات هامون. ۱۳۶۹
- ۵- سازمان امور عشایر ایران. دفتر مطالعات جامع عشایر. مطالعه و ارزیابی ساماندهی عشایر در کانون های توسعه مهندسین مشاور شرق آینده. ۱۳۹۱
- ۶- مقاله مهاجرت روستایی و عشایری در ایران ، مجله رشد آموزش علوم اجتماعی شماره دوم دفتر تحقیقات و برنامه ریزی و مقررات آموزش پرورش . زمستان ۱۳۶۸